

نحر

موضوع مقاله:

مقایسه بین کتاب فهرست شیخ طوسی و نجاشی (۲)

نویسنده:

حسین محمد دوست

دانش پژوه رشته تخصصی فقه و اصول ورودی ۸۳

چکیده

این نوشتار تلاشی است برای معرفی دو اثر مهم رجالی شیعه یعنی فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی رحمهما الله که در پنج فصل تنظیم شده است، در شماره پیشین نشریه، سه فصل نخست آن یعنی زیست نامه شیخ طوسی رحمته الله، معرفی فهرست شیخ طوسی رحمته الله و زیست نامه نجاشی رحمته الله تقدیم شد.

در این فرصت، دو فصل پایانی، یعنی معرفی رجال نجاشی و مقایسه دو کتاب تقدیم می شود.

کلید واژه

نجاشی، شیخ طوسی، رجال نجاشی، اصل، تصنیف، الفهرست، رجال الحدیث

فصل چهارم: شناسایی فهرست نجاشی

نام کتاب

نام اصلی کتاب رجالی نجاشی «فهرست اسماء مصنفی الشیعه» است گرچه به رجال النجاشی مشهور شده است^۱ اما تعبیر به رجال برای کتاب نجاشی غلط است.^۲

محقق تهرانی در الذریعه این کتاب را با عنوان «فهرست اسماء مصنفی الشیعه و مصنفاتهم»^۳ فهرست کرده است.^۴

بهترین شاهد بر این مدعا که نام کتاب وی «فهرست اسماء مصنفی الشیعه» است کلام خود نجاشی است در اول جزء دوم کتاب که می‌فرماید: «الجزء الثاني من کتاب فهرست اسماء مصنفی الشیعه و ما ادرکناه من مصنفاتهم ...»^۵

زمان تألیف

مرحوم ابی علی حائری (م ۱۲۱۶ یا ۱۲۱۵ هـ) می‌فرماید: «یظهر من ترجمة محمد بن عبد الملك بن محمد التبان^۶ المتوفی ۴۱۹ هـ انه ألّفه بعد هذا التاريخ و قبل وفاة السيد المرتضى علم الهدی رحمته الله المتوفی سنة ۴۳۶ هـ»^۷.

از ترجمه محمد بن عبد الملك بن محمد التبان که در سال ۴۱۹ فوت کرده دانسته می‌شود که نجاشی کتاب خود را بعد از این تاریخ و قبل از وفات سید مرتضی رحمته الله متوفی ۴۳۶ هـ. نوشته است. چون اگر بعد از این تاریخ می‌نوشت حتماً نام سیدمرتضی را ذکر می‌کرد.

نسخه‌شناسی

محقق ارجمند آقای سید موسی شبیری زنجانی در مقدمه کتاب رجال النجاشی می‌فرمایند: من به ۱۴ نسخه وی دست یافتم^۸ که به اضافه نسخه تصحیح شده ایشان ۱۵ نسخه می‌شود.

در اینجا ما پنج نسخه را معرفی می‌کنیم:

۱- رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی که در قم، مؤسسة النشر الاسلامی، در سال ۱۴۱۸ ق. در ۴۹۶ صفحه به چاپ رسیده و این چاپ ششم آن می‌باشد^۹ که در سال ۱۴۲۴

هـ. چاپ هفتم آن توسط همین انتشارات منتشر شده است.

ما از این نسخه در این نوشتار استفاده کرده‌ایم.

۲ - الرجال، که در تهران چاپخانه مصطفوی چاپ و توسط مرکز نشر کتاب، منتشر شده

است. این نسخه ۳۶۰ صفحه دارد و دارای قطع رقعی می‌باشد.^{۱۰}

پشت جلد این نسخه سال فوت نجاشی ۴۰۵ نوشته شده است که اشتباه است.

ما از این نسخه نیز در تحقیق خود استفاده کرده‌ایم.

۳ - رجال النجاشی با تحقیق و مقدمه محمد هادی یوسفی غروی که در قطع رقعی و به

صورت سنگی چاپ شده است.^{۱۱}

۴ - نسخه‌ای که در سال ۱۳۱۷ قمری در بمبئی هند و به شیوه سنگی چاپ شده است.

۵ - تحقیق محمد جواد نائینی و مقدمه استاد جعفر سبحانی که در سال ۱۴۰۸ هـ توسط

انتشارات دارالاضواء بیروت در دو جلد چاپ شده است.^{۱۲}

مقایسه دو نسخه از رجال نجاشی

در این قسمت به مقایسه میان دو نسخه از رجال نجاشی که به آن دست یافتیم^{۱۳} می‌پردازیم

و تفاوت‌های آنها را بیان می‌کنیم که عبارتند از:

۱ - نسخه دفتر نشر اسلامی ۱۲۶۹ مدخل و نسخه مرکز نشر کتاب ۱۲۴۵ مدخل دارد یعنی

نسخه مرکز نشر کتاب ۲۴ مدخل کمتر از دیگر نسخه دارد. مثلاً نسخه مرکز نشر کتاب در باب

عین^{۱۴} ۲۵۹ مدخل دارد که این تعداد در نسخه مؤسسة النشر الاسلامی به ۲۷۸ مدخل می‌رسد.^{۱۵} در

باب من اشتهر بکنیة، نسخه مرکز نشر کتاب ۳۷ راوی را ذکر کرده^{۱۶} که این باب در نسخه مؤسسة

النشر الاسلامی ۴۱ راوی را در برمی‌گیرد^{۱۷} یعنی چهار راوی بیشتر دارد که عبارتند از:

۱. ابوالحسن میمونی^{۱۸} ۲. ابوسعید المکاری^{۱۹} ۳. ابو هلال^{۲۰} ۴. ابویعقوب الجعفی.^{۲۱}

۲ - در نسخه دفتر نشر اسلامی در فهرست و ترتیب کتاب جلوی نام راوی شماره راوی

آمده است و در نسخه مرکز نشر کتاب شماره صفحه آمده است.

۳- در نسخه دفتر نشر اسلامی راویها شماره گذاری است به خلاف نسخه مرکز نشر کتاب.

انگیزه نگارش

نجاشی رحمته الله در این باره می گوید: «اما بعد فانی وقف علی ما ذکره السید الشریف - اطال الله بقاءه و ادام توفیقه - من تعیر قوم من مخالفینا انه لاسلف لکم و مصنف. و هذا قول من لاعلم له بالناس و لا وقف علی اخبارهم و لاعرف منازلهم و تاریخ اخبار اهل العلم و لا لقی احداً فیعرف منه، و لا حجة علینا لمن لم یعرف و لاعرف.

و قد جمعت من ذلك من استطعته و لم ابلغ غایته لعدم اکثر الكتب، و انما ذكرت ذلك عذراً الی من وقع الیه کتاب لم اذکره و قد جعلت للاسماء ابواباً علی الحروف علی الملتمس لاسم مخصوص منها اذکر المتقدمین فی التصنيف من سلفنا الصالحین، و هی اسماء قليلة و من الله استمد المعونه، علی ان لاصحابنا - رحمهم الله - فی بعض هذا الفن کتب لیست مستغرقة لجمع ما رسم، و ارجو ان یتی فی ذلك علی ما رسم و حد ان شاء الله [تعالی] و ذكرت لرجل طریقا واحدا حتی لایکثر الطرق فیخرج عن الغرض.^{۲۲}»

ترجمه

از سخن سید بزرگوار سید مرتضی^{۲۳} - خداوند عمرش را طولانی و توفیق روزافزون به او عطا کند - مبنی بر انتقاد برخی از مخالفان بر شیعه به علت نداشتن سابقه علمی و آثاری، مطلع شدم و این سخن کسانی است که از سرگذشت علمای شیعه و جایی که در زندگی داشتند و خدمات و آثار ارزنده‌ای که از خویش به جای گزارده‌اند آگاهی ندارند و با شخصیتی نیز برخوردار نباشند که در این زمینه‌ها از او سؤال نمایند. و از سوی دیگر، ما وظیفه‌ای نسبت به ناآگاهان در این گونه مسائل نداریم، ولی در حد توان خویش دست به تحقیق و جمع‌آوری مطالب زدیم و آثار علمای شیعه را معرفی کردیم گرچه به سبب آن که بیشتر کتاب‌ها و آثار در اختیارم نبود نتوانستیم به

شناساندن تمام آن‌ها پردازم، از این‌رو از عالمان و محققانی که کتابی نوشته نام آن‌ها در این مجموعه نیست عذر می‌خواهم.^{۲۴}

علامه سید محسن عاملی رحمته الله پس از نقل این سخن نجاشی رحمته الله می‌نویسد:

پس جای تأمل و دقت است که پی ببریم دانشمندان چقدر بلندهمت بودند و چطور نسبت به دین و مذهب غیرت و تعصب داشتند. به محض اینکه سخنی از مخالفان می‌شنیدند انگیزه می‌گردید کتاب و آثاری را به رشته تحریر درآوردند و سخن مخالف را در نطفه خفه کنند و پوچی آن را به اثبات برسانند.^{۲۵}

ساختار کتاب

این کتاب مشتمل بر ۲۹ باب است که باب اول در ذکر طبقه اول از راویان که نام شش تن از صحابه به همراه کتب آنها ذکر شده است.^{۲۶}

و از باب دوم به بعد به ترتیب حروف الفبا است که در ذیل هر کدام به بررسی راویان و تصانیف و اصول آنها پرداخته است. و در مجموع ۱۲۶۹ مدخل دارد.^{۲۷}

شیوه پرداختن به راویان و مصنفین

نجاشی رحمته الله ابتدا نام کامل و غالباً نسب شخص را ذکر می‌کند آنگاه لقب وی را می‌نویسد و سپس نظر خود را در مورد وثوق و ضعف راوی بیان می‌کند و بعد از آن کتابهای او را ذکر می‌کند. البته این در صورتی است که نام کتاب مشخص باشد ولی در بعضی از موارد به جمله «له کتاب» یا «له کتب» اکتفا می‌کند. که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

الف. مواردی که می‌فرماید «له کتاب» ولی نام کتاب را نمی‌آورد:

۱. در ترجمه سوید مولی محمد بن مسلم^{۲۸}

۲. در ترجمه سوید بن مسلم^{۲۹}

۳. در ترجمه سالم بن ابی سکمه الکندی^{۳۰}

۴. در ترجمه کثیر بن طارق^{۳۱}

۵. در ترجمه قتیبة بن محمد الاعشى المودب ابو محمد المقرئ^{۳۲}

۶. در ترجمه عاصم الكوزی^{۳۳}

۷. عمر بن ابان الكلبي^{۳۴}

ب. مواردی که می‌فرماید «له كتب» ولی نام کتابها را نمی‌آورد.

۱. در ترجمه احمد بن محمد بن عیسی که می‌فرماید: «له كتب و لقی ابا جعفر الثاني عليه السلام»^{۳۵}.

۲. در ترجمه ابراهیم بن سلیمان ابن ابی واحد المزنی^{۳۶}

نجاشی پس از ذکر نام، نسب، وثاقت یا ضعف و کتابهای یک راوی طریق خود را بیان می‌کند که خود بر چند گونه است:

۱. طریق به کتاب یا کتابهای یک راوی که اینگونه ذکر طریق در اکثر راویان مذکور در

رجال نجاشی مشاهده می‌شود مانند شماره‌های ۵۹ - ۴۳ - ۳۵ - ۳۳

۲. طریق به خود راوی (طریق روایت): مانند ابراهیم بن سلیمان بن عبیدالله بن خالد النهمیّ

الخزاز الکوفی که در آخر ترجمه وی می‌گوید: «اخبّرنا احمد بن عبدالواحد قال: حدثنا علی بن

حبشی قال: حدثنا حمید بن زیاد قال: حدثنا ابراهیم»^{۳۷}

مثال دیگر: در پایان ترجمه ابراهیم بن اسحاق ابواسحاق الاحمری النهوندی می‌گوید: «قال

ابوعبدالله بن شاذان: حدثنا علی بن حاتم قال: اطلق لی ابو احمد القاسم بن محمد الهمدانی عن

ابراهیم بن اسحاق و سمع منه سنة تسع و ستين و مأتين»^{۳۸}

۳. طریق به کتاب که متضمن طریق به روایات آن نیز هست، مثلاً در ترجمه ابراهیم بن

یوسف بن ابراهیم الکندی الطحان می‌گوید: «له کتاب نوادر یرویه عند جماعة اخبّرنا احمد بن

عبدالواحد قال: حدثنا علی بن حبشی قال: حدثنا حمید بن زیاد قال حدثنا احمد بن میثم عنه»^{۳۹}

راویان فاسد المذهب در رجال نجاشی

گرچه نجاشی در مقدمه کتابش ملتزم می‌شود که در آن صاحبان کتاب و اصل و تصنیف را که شیعه دوازده امامی هستند نام ببرد ولی در لابلای کتابش به مواردی بر می‌خوریم که کسانی که نجاشی از آنها نام برده در عقیده خود دچار انحراف شده‌اند و نجاشی آنها را توثیق کرده ولی به انحراف عقیده آنها اشاره کرده است.^{۴۰} در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱. احمد بن الحسن بن اسماعیل بن میثم التمار؛^{۴۱}

۲. علی بن اسباط بن سالم ابوالحسن المقرنی؛^{۴۲}

۳. علی بن محمد بن عمر بن رباح؛^{۴۳}

۴. سماعة بن مهران؛^{۴۴}

۵. حسن بن محمد بن سماعة؛^{۴۵}

۶. علی بن الحسن بن محمد معروف به الطاطری؛^{۴۶}

فصل پنجم: مقایسه فهرست نجاشی و فهرست طوسی رحمهما الله

اشتراکات و همانندی‌ها

۱ - هر دو کتاب به صورت فهرست نوشته شده‌اند، فهرست در لغت به معنای جدولی است شامل ابواب و فصول کتاب در ابتدا یا انتهای آن، صورت اسامی چیزی. نوشته‌ای را نیز گفته‌اند که در آن اسامی کتابها باشد. عربان به آن فهرس می‌گویند.^{۴۷}

بین کتاب فهرست و کتاب رجال فرق است. این نکته از مقایسه مقدمه فهرست و رجال شیخ برمی‌آید. کتاب فهرست بیشتر ناظر به ضبط کتابهاست و کتاب رجال به ضبط راویان می‌پردازد.^{۴۸}

به عبارت دیگر موضوع کتابهای فهرست نام صاحبان نوشته و کتاب است حال چه نوشته آنها اصل باشد یا تصنیف^{۴۹} فرقی نمی‌کند.^{۵۰}

شیخ طوسی رحمه الله می گوید من کتابی نوشتم که مشتمل بر ذکر تصنیفات و اصول باشد.^{۵۱} ولی در مقدمه رجال می گوید این کتاب شامل اسماء کسانی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام روایت کرده اند یا راویانی هستند که بعد از زمان ایشان می زیسته اند.^{۵۲}

در مورد پیشینه تألیف کتابهای فهرست باید گفت گرچه در این باره اطلاعات درستی در دست نیست ولی آنچه مسلم است آن است که فهرست نویسی نیز مانند کتاب های رجال هم قبل از شیخ طوسی و نجاشی رحمهما الله و هم بعد از آنها سالها متداول و متعارف بوده است و این از کلام شیخ طوسی رحمه الله (م ۴۶۰ هـ) در مقدمه فهرست نیز دانسته می شود که او می فرماید: بعضی از علمای اصحاب ما کتابهای فهرست نوشته اند و در آن کتابها تصنیفات و اصول را ذکر کرده اند. محقق شوشتری رحمه الله نیز می فرماید اکثر قداما صاحب فهرست بوده اند.^{۵۳} ولی این فهرستها غالباً مختصر بوده اند و نویسندگان آنها بر شنیده های خود و آنچه برای آنها روایت شده بود و کتابهایی که دیده بودند اکتفا کرده اند.

شیخ طوسی رحمه الله یک قسم از این فهرستها را ذکر می کند که از جمله آنها فهرست ابن عبدون م ۴۲۳ هـ است وی در ترجمه ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال^{۵۴} از این کتاب نام برده است.^{۵۵}

۲- هر دو کتاب در زمانی نزدیک به هم نوشته شده اند.

۳- هر دو کتاب از اصول اربعه رجال شیعه و از مهمترین منابع رجالی هستند.

فرق ها و تفاوتها

۱- رجال نجاشی مشتمل بر ۱۲۶۹ مدخل و عنوان است در حالیکه فهرست شیخ طوسی

دارای ۹۱۲ مدخل می باشد.

۲- رجال نجاشی ۳۲ باب و فهرست شیخ ۲۹ باب اصلی دارد.

میزان اعتبار در موارد تعارض

گرچه هر دو کتاب از اصول اربعه رجالی شیعه و از مهمترین آنها می‌باشند، اما در مواردی سخن نویسندگان آنها با یکدیگر تعارض دارد. در این گونه موارد چه باید کرد؟ آیا دو قول مساوی‌اند یا راهی برای ترجیح یکی از آنها وجود دارد؟

عده‌ای از علما قول نجاشی رحمته الله را مقدم می‌کنند و بر این کار ادله‌ای اقامه کرده‌اند که ما در این مجال به ذکر، نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

۱ - نجاشی رحمته الله به خاطر مجالست فراوانی که با علمای رجالی داشته و نیز تخصص او در علم رجال بوده، در زمینه رجال متبحرتر از سایر رجالیهاست زیرا کسی که در یک فن زیاد کار کند قطعاً از انسانی که در چند رشته کار کرده است تخصص بیشتری دارد.^{۵۶}

بنابراین قول نجاشی رحمته الله بر قول شیخ طوسی رحمته الله در مورد راویان و وثاقت و ضعف آنها مقدم است. زیرا علوم شاخه شاخه‌اند و شیخ طوسی رحمته الله در بیشتر فنون مانند فقه، کلام، تفسیر، حدیث و ... دارای تألیفات و تصنیفات زیادی است^{۵۷} که در همین نوشتار با آثار او آشنا شدیم و بدیهی است تخصص در همه علوم کار بسیار مشکلی است.

البته در مورد این دلیل گفته‌اند که: شاید امر برعکس باشد و این کثیر التألیف بودن شیخ طوسی رحمته الله را وجهی برای تقدیم قول او بدانیم چون تمام فنون و علوم سلسله‌وار به یکدیگر مربوطند.^{۵۸}

۲ - نجاشی رحمته الله کتاب خود را پس از دو کتاب رجالی شیخ رحمته الله یعنی فهرست و رجال وی نگاشته است و معلوم است که بر آن کتابها و دیگر تألیفات او آگاهی داشته چنانکه در ترجمه شیخ طوسی رحمته الله به آن اشاره می‌کند^{۵۹} و حتماً در تألیف کتاب خود ناظر به کتاب فهرست شیخ رحمته الله نیز بوده و نقائص و خطاهای آن را تصحیح کرده است. و در موارد بسیاری بر چیزهایی وقوف یافته که از اسباب جرح یا تعدیل بوده‌اند و شیخ رحمته الله از آنها غافل مانده است.^{۶۰}

بنابراین در موارد تعارض قول نجاشی رضی الله عنه مقدم است چون وی هم بر قول و هم بر آنچه شیخ رضی الله عنه از آن غافل مانده آگاهی داشته، آنگاه به تعدیل و جرح راویان پرداخته است.

۳ - از آنجا که علم رجال وابستگی زیادی با علم انساب و آثار و اخبار قبایل و شهرها دارد نجاشی رضی الله عنه تسلط بر انساب داشته است (چنانچه از ترجمه راویان مذکور در رجال وی دانسته می شود موارد بسیاری که به نام راوی اکتفا نکرده بلکه نام خودش، برادرانش، فرزندان و اجدادش را ذکر کرده و به بیان حال برخی از آنها نیز پرداخته است به صورتی که گویا خود یکی از آنها بوده است) قول او بر قول دیگر رجالیهما مقدم است.^{۶۱}

محقق شوشتری رضی الله عنه می فرماید درست است که علوم با یکدیگر مرتبطند اما رابطه علم حدیث با رجال بسیار بیشتر است از رابطه علم نسب شناسی با آن.^{۶۲} و ما می دانیم که شیخ طوسی رضی الله عنه در حدیث دو کتاب گرانسنگ نوشته (تهذیب و استبصار) که از اصول اربعه حدیثی شیعه هستند.

۴ - بیشتر راویان احادیث ائمه علیهم السلام اهل کوفه بوده اند یا در نواحی نزدیک کوفه می زیسته اند و نجاشی رضی الله عنه نیز از بزرگان کوفه بوده است و از خاندانی مورد مراجعه مردم بوده است و ظاهراً او از دیگر کسان به اصول و اخبار شهر و اهالی آن آگاه تر بوده است که در مثل گویند: «اهل المکه ادری بشعابها».

محقق شوشتری رضی الله عنه می فرماید: این ادعا سه اشکال دارد:

اولاً: معلوم نیست که اکثر راویان اهل کوفه باشند، بلکه ظاهراً بیشتر آنها اهل قم بوده اند.

ثانیاً: از کجا معلوم است که نجاشی رضی الله عنه کوفی بوده است؟ اگر مستند شما کلام فهرستی است که گفته المعروف بابن الکوفی، بر فرض که مراد فهرست همین نجاشی رضی الله عنه باشد، صرف معروف بودن به ابن الکوفی دلیل بر اهل کوفه بودن کسی نمی شود. مثلاً حسین بن سعید معروف به اهوازی است^{۶۳} در حالیکه کوفی می باشد.

علاوه بر اینکه کوفه در زمان حیات نجاشی رضی الله عنه محل سکونت نبوده ابو غالب در رساله انس می گوید: «فلم تزل فی ایدینا الی ان امتحنت فی سنه ۳۱۴ و ما بعدها فخرج ذلک عن یدی فی المحن و خراب الکوفه بالفتن»^{۶۴}.

یکی از شواهدی که می توان از آن این نکته را استفاده کرد که نجاشی رضی الله عنه کوفی نبوده است کلام خود اوست در ترجمه جعفر بن شبیر بجلی که می گوید: «و له مسجد بالکوفه فاق فی بجيله الی الیوم و انا و کثیر من اصحابنا اذ اوردنا الکوفه نصلی فیہ مع المساجد التی یرغب فی الصلوۃ فیها»^{۶۵}.

ظاهراً نجاشی رضی الله عنه نیز می داند شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی رضی الله عنهم بغدادی بوده است. شیخ طوسی رضی الله عنه در مورد احمد بن عباس که به عقیده ماجد این نجاشی رضی الله عنه است می گوید: «منزلة درب النهر» و درب النهر از بغداد است.

خود نجاشی رضی الله عنه در ترجمه محمد بن یعقوب می گوید: من به مسجد معروف لولوی تردد می کردم و آن همان مسجد نفطویه نحوی است بر صاحب مسجد قرآن می خواندم.^{۶۶}

ثالثاً: مگر انسان به احوال اهالی شهر محل سکونت خود در تمام زمانها آگاه است؟ پاسخ این است که خیر، انسان فقط به معاصرین از اهل بلد خود آشنایی دارد چون آنها را می بیند و با آنها معاشرت دارد نه اینکه گذشتگان شهر خود را هم بشناسد و بهتر از دیگران در مورد آنها آگاهی داشته باشد. غالباً احوال گذشتگان از کتابهای سیره و تاریخ و رجال و دیگر کتابهایی دانسته می شود که مشترک بین همه مردم هستند.^{۶۷}

البته شاید بتوان گفت اگر کوفی بودن نجاشی رضی الله عنه و اکثر راویان اثبات شود ممکن است بگوییم نجاشی رضی الله عنه به احوال آنها حتی گذشتگان آنها آگاهی بیشتری نسبت به سایر افراد مانند شیخ طوسی رضی الله عنه داشته است.

اگر به رجال نجاشی رضی الله عنه مراجعه کنیم می بینیم که از میان ۱۲۶۹ راوی ۳۸ نفر لقب «الکوفی»

دارند و در مورد ۳۲۵ نفر آنها واژه «کوفی» استعمال شده که به نظر می‌رسد صریح در کوفی بودن آنهاست در حالیکه در رجال شیخ رحمه الله گرچه ۲۷ بار لقب الکوفی تکرار شده ولی فقط به کوفی بودن ۱۹ نفر تصریح شده است.^{۶۸}

۵ - نجاشی رحمه الله از محضر استاد و رجالی سرشناس ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری رحمه الله بهره‌ها برده است. نجاشی رحمه الله از این استاد از طریق کلام، نقل، و قراءت و نوشته‌های او استفاده کرده است در حالیکه از کلام شیخ طوسی رحمه الله در مقدمه کتاب الفهرست این طور برداشت می‌شود که او بر کتابی از این استاد دست نیافته اگرچه به صاحب کتاب بودن غضائری رحمه الله در رجال تصریح می‌کند ولی اعتقاد دارد که این دو کتاب بعد از وفات شیخ غضائری توسط ورثه او از بین رفته است.^{۶۹}

در حالیکه در رجال نجاشی رحمه الله می‌بینیم که او بر این کتابها اطلاع داشته و این کتابها حتی تا زمان علامه حلی رحمه الله (۷۲۶ هـ) نیز باقی بوده است و علامه رحمه الله از آن نقل می‌کند که به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱ - علامه رحمه الله در مورد محمد بن مصادف می‌گوید: کلام ابن غضائری رحمه الله در مورد این شخص مختلف است او در یک کتاب محمد بن مصادف را ضعیف و در کتاب دیگر ثقه می‌داند.^{۷۰}

۲ - در مود عمر بن ثابت ابی المقدام می‌گوید: وی ضعیف است و این را ابن غضائری رحمه الله گفته است و او در کتاب دیگرش می‌گوید عمر بن ابی المقدام ثابت عجلای برده کوفی آنها (بین عجلان) بود و بر او طعنه زده‌اند در حالیکه نزد من سخن آنها درست نیست و او ثقه می‌باشد.^{۷۱}

پس نجاشی رحمه الله از کتاب و گفتار این استاد بهره برده و او کسی است که در این فن خبره می‌باشد در حالیکه شیخ رحمه الله کتابهای وی را از بین رفته می‌داند.^{۷۲}

۶. تقدم نجاشی رحمته الله و زیاد بودن طریقه‌های او و اینکه او بسیاری از استادانی را درک کرده است که شیخ رحمته الله موفق به ملاقات آنها نشده است، نیز یکی از علل تقدم قول او بر شیخ رحمته الله و دیگران برشمرده است.

او اساتیدی مانند ابوالعباس احمد بن علی بن نوح سیرافی و احمد بن محمد جندی و محمد بن علی کاتب رحمته الله و دیگران را درک کرده است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که فهرست شیخ طوسی رحمته الله نیز از جهت فایده از کتاب نجاشی رحمته الله کمتر نیست گرچه قائل شویم که نجاشی رحمته الله اضبط است علاوه بر اینکه شیخ رحمته الله در فضیلت سبقتی دارد که بر کسی پوشیده نیست.

پی نوشت ها

۱. طلائیان، رسول، مأخذشناسی رجال شیعه، ص ۵۰.
۲. شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۸۶.
۳. الذریعة، ج ۱۶، ص ۳۷۶، ش ۱۷۴۶.
۴. طلائیان، رسول، مأخذشناسی رجال شیعه، ص ۵۰.
۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۱۱ (مؤسسه النشر الاسلامی) و ص ۱۵۷ مرکز نشر کتاب.
۶. همان، ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۹ (مؤسسه النشر الاسلامی).
۷. حائری، ابوعلی، منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۱.
۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۲ (مؤسسه النشر الاسلامی).
۹. طلائیان، رسول، مأخذشناسی رجال شیعه، ص ۵۲ - ۵۱.
۱۰. همان، ص ۵۲ - ۵۱.
۱۱. طلائیان، رسول، مأخذشناسی رجال شیعه، ص ۵۲ - ۵۱.
۱۲. همان، ص ۵۲.
۱۳. نسخه مرکز نشر کتاب و نسخه مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۲۳۴ - ۱۵۷ (مرکز نشر کتاب).
۱۵. همان، ص ۳۰۵ - ۲۱۳ (مؤسسه النشر الاسلامی).
۱۶. همان، ص ۳۵۸ - ۳۵۲ (مرکز نشر کتاب).
۱۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۶۲ - ۴۵۴ (مؤسسه النشر الاسلامی).
۱۸. همان، ص ۴۶۰، ش ۱۲۶۲.
۱۹. همان، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۰.
۲۰. همان، ص ۴۶۲، ش ۱۲۶۸.
۲۱. همان، ص ۴۶۲، ش ۱۲۶۹.
۲۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳.

۲۳. نام کامل سید مرتضی، علی بن حسین بن موسی بن محمد بن ولی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است. کنیه او ابوالقاسم و لقبش علم الهدی است. وی در ماه رجب سال ۳۵۵ هـ. به دنیا آمد و در ۲۵ ماه ربیع الاول سال ۴۳۶ دار فانی را وداع گفت. (تذکرۃ العلماء، ص ۱۱۲)

۲۴. امانی، محمدحسن، نجاشی راوی شناس بزرگ، ص ۱۰۸ - ۱۰۷.

۲۵. امانی، محمد حسن، نجاشی راوی شناس بزرگ، ص ۱۰۸؛ امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۸.

۲۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۹ - ۴ (مؤسسه النشر الاسلامی) و ص ۷-۳ مرکز نشر کتاب.

۲۷. این تعداد راوی در نسخه دفتر نشر اسلامی موجود است.

۲۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۱۹۱، ش ۵۱۱ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۲۹. همان، ص ۱۹۱، ش ۵۱۰ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۰. همان، ص ۱۹۰، ش ۵۰۹ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۱. همان، ص ۳۱۹، ش ۸۷۳ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۲. همان، ص ۳۱۷، ش ۸۶۹ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۳. همان، ص ۳۰۱، ش ۸۲۰ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۴. همان، ص ۲۸۵، ش ۷۵۹ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۵. همان، ص ۸۲، ش ۱۹۸ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۶. همان، ص ۱۵، ش ۱۴ (مؤسسه نشر الاسلامی)

۳۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۱۸، ش ۲۰ (مؤسسه النشر الاسلامی)

۳۸. همان، ص ۱۹، ش ۲۱.

۳۹. همان، ص ۲۳، ش ۳۶

۴۰. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۷ - ۹۶؛ ربانی، محمد حسن، دانش رجال

الحديث، ص ۵۲ - ۵۱؛ سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، ص ۶۲.

۴۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۷۴، ش ۱۷۹ (موسسه النشر الاسلامی)

۴۲. همان، ص ۲۵۲، ش ۶۶۳.

۴۳. همان، ص ۲۵۹، ش ۶۷۹.

۴۴. همان، ص ۱۹۳، ش ۵۱۷.

۴۵. همان، ص ۴۰، ش ۸۴.

۴۶. همان، ص ۲۵۴، ش ۶۶۷.

۴۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۲۰۹.

۴۸. ربانی، محمد حسن، دانش رجال الحدیث، ص ۵۹.

۴۹. از چند مورد از کلام شیخ طوسی استفاده می شود که اصل مقابل تصنیف است. او در هارون بن موسی می گوید «در وی جمیع الاحول و المصنفات» و این دو را در مقابل هم قرار داده. وی همچنین در مقدمه کتاب فهرست در مورد احمد بن الحسین بن عیبدالله غضائری می گوید: او دو کتاب نوشت یکی در مصنفات و دیگری در اصول. شاید بتوان گفت اصل، مجرد روایت اخبار است بدون نقص و ابرام و بدون جمع بین دو روایت متعارض و بدون حکم به صحت یا شاذ بودن یک روایت ولی فرقی نمی کند که صاحب اصل راوی از معصوم باشد یا نباشد، ولی تصنیف در مورد احادیث است ولی با نقض و ابرام حتی اعم است که در مورد احادیث باشد یا نه مانند اصول اربعه حدیثی (شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۵).

۵۰. همان، ج ۱، ص ۴۸۶.

۵۱. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۳۲ - ۳۱.

۵۲. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۱۷.

۵۳. خامنه ای، سید علی، الاصول الاربعه فی علم الرجال، ص ۲۰.

۵۴. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۳۷.

۵۵. خامنه ای، سید علی، الاصول الاربعه فی علم الرجال، ص ۲۰.

۵۶. ربانی، محمد حسن، دانش رجال الحدیث، ص ۵۳.

۵۷. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۳.

۵۸. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ص ۵۲۲.

۵۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۸ (مؤسسه النشر الاسلامی)
۶۰. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۳؛ سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، ص ۶۳.
۶۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۳؛ سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، ص ۶۳-۶۲.
۶۲. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ص ۵۲۲
۶۳. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۵۸، ش ۱۳۷-۱۳۶.
۶۴. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۲۳-۵۲۲
۶۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۱۱۹، ش ۳۰۴.
۶۶. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶.
۶۷. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۲۳-۵۲۲.
۶۸. این ارقام با استفاده از نرم افزار درایة النور و بخش فهرست سازی و جستجوی آن استخراج شده است.
۶۹. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ص ۳۲-۳۱.
۷۰. حلی، یوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال، ص ۴۰۴.
۷۱. همان، ص ۳۷۷.
۷۲. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۳.

کتابنامه

- ۱- امانی، محمد حسن، *نجاشی راوی شناس بزرگ*، چاپ اول، سال ۱۳۷۶، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲- امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، سال ۱۴۰۶ هـ، دارالتعارف بیروت.
- ۳- پژوهشگران گروه کلام، *اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی*، چاپ اول، سال ۱۳۷۸، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۴- حائری، ابوعلی، *منتهی المقال*، چاپ اول، سال ۱۴۱۶ هـ، مؤسسة آل البيت.
- ۵- حلی، یوسف بن مطهر، *خلاصة الاقوال*، چاپ اول، سال ۱۴۱۷ هـ - نشر الفقاهة.
- ۶- حنبلی، ابو الفلاح عبدالحی بن عماد، *شذرات الذهب*، ج ۲، سال ۱۴۲۴ هـ دارالفکر بیروت.
- ۷- خامنه‌ای، سید علی، *الاصول الاربعه فی علم الرجال*، ترجمه ماجد الغرباوی، ج ۲، سال ۱۴۱۷ هـ.
- ۸- خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، م ۱۳۸۰ هـ.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*.
- ۱۰- ربانی، محمد حسن، *دانش رجال الحديث*، ج ۱، سال ۱۳۸۲، به نشر.
- ۱۱- سبحانی، جعفر، *اصول الحديث*، ج ۵، سال ۱۴۲۰ هـ مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۱۲- سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۱۳- شوشتری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، ج ۲، سال ۱۴۲۰، مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۱۴- شهروی، علیرضا، *شیخ طوسی خورشید ابرار*، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، النشر بین الملل وابسته به امیر کبیر.
- ۱۵- طلائیان، رسول، *مأخذ شناسی رجال شیعه*، ج اول، سال ۱۳۸۱، نشر دار الحديث.

- ۱۶- طوسی، محمدبن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۷- طوسی، محمدبن الحسن، *تهذیب الاحکام*، سال ۱۴۰۱ هـ. دار التعارف بیروت.
- ۱۸- طوسی، محمدبن الحسن، *رجال*، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ هـ مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۹- طوسی، محمدبن الحسن، *الفهرست*، چاپ اول، سال ۱۴۱۷ هـ نشر الفقاهه.
- ۲۰- نجاشی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، چاپخانه مصطفوی، مرکز نشر کتاب تهران.
- ۲۱- نجاشی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، ج ۷، سال ۱۴۲۵، مؤسسه النشر الاسلامی.